

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال هفتم شماره بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۴ (صص ۷۶-۵۹)

نقش اسرای هندی در تحولات فرهنگی و هنری دوره نادرشاه افشار

دکتر مهدی صلاح*

چکیده

دولت های ایران و هند از قدیم الایام به مبادلات فرهنگی توجه داشته اند، تاکنون بیشتر پژوهش های انجام شده به تاثیر ایرانیان بر فرهنگ و تمدن و معماری هند تاکید داشته است و به تاثیرگذاری هندیان بر فرهنگ و تمدن ایرانی کمتر پرداخته شده است. با توجه به اینکه نادرشاه افشار پس از حمله به هند و تصرف شهر دهلی علاوه بر غنایم بسیاری که بدست آورد گروهی نیز در حدود ۴۰ هزار اسیر با خود به همراه آورد که در میان آنان عده ای از هنرمندان، حجاران، نجاران و صاحبان حرف و مشاغل وجود داشتند. بر همین اساس، این پژوهش درصدد است به این سؤال پاسخ گوید که نقش اسرای هندی در رونق فرهنگی دوره نادری چگونه بوده است؟ در مبحث تأثیر هندیان بر فرهنگ و تمدن ایرانی به این نتیجه می رسیم که در دوره نادری اسرای هندی نقش ویژه ای ایفا کرده و باعث تغییرات مهمی در عرصه معماری و به ثمر رسیدن پروژه های بزرگ و صنایع دستی مانند جواهر سازی و برخی شاخه های هنری مانند رقص و آواز و خنیاگری و همچنین برخی رشته های علمی مانند رونق علم پزشکی شده اند. این پژوهش، کاری تحلیلی- توصیفی بر اساس شیوه پژوهش تاریخی مبتنی بر اسناد، منابع کتابخانه ای و مشاهدات عینی و میدانی خصوصا در رابطه با تحولاتی که در دوره نادری در کلات نادری واقع در ناحیه شمال خراسان صورت پذیرفته می باشد.

کلیدواژه: نادرشاه افشار، اسرای هندی، تحولات فرهنگی و هنری، معماری و صنایع دستی

* Email:salah@hist.usb.ac.ir

استادیار تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۵

مقدمه

ایران و هند در زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از ازمه قبل همیشه روابط و مناسبات گسترده ای داشته اند و به جهت همجوار بودن، مراوده بین این دو ملت بزرگ عموماً وجود داشته است. در زمینه روابط ایران و هند تاکنون پژوهش هایی صورت گرفته، اما عمدتاً این پژوهش ها بر تاثیر گذاری ایران و هند خصوصاً از نظر سیاسی و فرهنگی و ادبی بوده است. این پژوهش هدفی دیگر را در زمینه تبادلات فرهنگی و هنری دنبال می کند، و آن تاثیری است که اسرای هندی در دوره نادری بر فرهنگ و هنر گذارده اند. در این زمینه پژوهش مستقلی صورت پذیرفته است و این کار از این حیث جدید به نظر می رسد. مهمترین سوالی که این تحقیق در صدد پاسخگویی به آن است، این است که بیش از چهل هزار اسرای هندی که به ایران آمدند چه تاثیری در رشد هنری و فرهنگی و تمدنی ایران داشتند؟ لازم به ذکر است هندیان همیشه در امور حیاتی، اقتصادی و هنری ایران موقعیت مستحکمی داشتند و آنان پس از آرامنه مهمترین جامعه خارجی فعال در ایران بودند، هندیان در جامعه ایران فعال بودند و تاثیر انحصاری بر بازار و تجارت و رونق تجاری ایران داشتند به این خاطر شهرهایی مانند هرات و قندهار مراکز مهم تجاری با هند و بارانداز تبادلات فرهنگی و هنری محسوب می شدند این شهرها به عنوان کلید هندوستان موسوم می باشند و همیشه گروه کثیری از تجار هندی در آنجا ساکن بودند و به تجارت و مراودات هنری و فرهنگی مشغول بودند. در دوره صفوی اولتاریوس سیاح آلمانی تعداد هندیان ساکن در ایران را دوازده هزار نفر می داند که خوش خلق، بشاش و دارای احساسات دوستانه هستند (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

حضور گسترده این گروه از هندیان نشان از عمق روابط ایران و هند دارد. کالاهای تجاری و هنری هندی همیشه در ایران رواج داشت و مردم ایران با آن ها آشنا بودند، غالباً در طول تاریخ روابط بین دو کشور دوستی دو جانبه بین ایران و هند برقرار بوده است. هرچند که از سرزمین ایران برخی حملات به هند صورت پذیرفته مانند حمله سلطان محمود غزنوی، چنگیزخان و تیمور لنگ و نادرشاه افشار، که آثار متفاوتی بر هند و ایران نهاده است. نادر که در تدارک لشکرکشی به قندهار بود، اخبار پیروزی خود را برای محمدشاه گورکانی از سلاطین مغول هند فرستاد و از او خواست که وقتی به قندهار حمله می کند پادشاه هند فراریان افغانی را به خاک کشور خود راه ندهد و به قول مینورسکی این نخستین علامت توجه نادر به تصرف نواحی جنوب شرقی بود (مینورسکی، ۱۳۵۶: ۲۲).

قندهار که گورکانیان هند نیز به آنجا توجه داشتند و ادعای ارضی بر آن سرزمین داشتند از دوران صفویه مورد نزاع صفویان و گورکانیان هند بود. در پایان حکومت صفوی غلجه زائیان بر آنجا تسلط یافتند و بر انداختن حکومت صفویان نیز از آنجا آغاز شد. قندهار به عنوان یک کانون خطر از همان ایامی که نادر افغانه را شکست داد برای وی مطرح بود و پس از اینکه خیال نادر از حملات خارجی به ایران آسوده گردید و قرارداد متارکه جنگ با دولت عثمانی منعقد شد درصدد حمله به قندهار برآمد. پیروزی نادر بر قندهار، عامل نخستین مرحله از لشکرکشی های جهانگیرانه وی تلقی گردیده درصدد تصرف هندوستان و حتی نقشه های وسیع برای تصرف چین و ساختن دولتی بسیار بزرگ در آسیا را داشته است (آرنوا، ۱۳۵۶: ۶۹).

بهانه حمله نادر به هند نیز از قبل و در هنگام محاصره قندهار بوجود آمده بود. نادرشاه بارها با ارسال پیک و نامه هایی از پادشاه هند (محمد گورکانی) خواسته بود که مرزهای خود را بر روی افغانان ببندد، چون افغانی هایی که به هندوستان پناهنده می شدند می توانستند نیروی خطرناک برای ایران باشند، سفیر اول نادر زندانی و سفیر دوم او با توطئه حاکم کابل توسط فرماندار جلال آباد توقیف شد و به قتل رسید و بهانه جنگ برای حمله نادر فراهم شد.

حمله نادر با نبرد تاریخی کرنال به پیروزی وی منجر گردید. سپاهیان هندی در مواجهه با برتری های تاکتیکی نیروهای نادری از هم پاشیدند و از پای در آمدند، گویا نادر از همان ابتدا قصد تصرف کامل هندوستان و ماندگاری در آن سرزمین را نداشت بلکه هدفش بدست آوردن ثروت برای رفع مشکلات اقتصادی ایران بود چون از پایان دوره صفوی و در زمان تسلط هفت ساله افغان ها، قحطی و گرسنگی بوجود آمده بود، که خود نادر و قدرت گیری وی زائیده این ناملایمات اقتصادی بود، بنابراین هدف اصلی نادر کسب ثروت بود.

بیان مسأله

زمانیکه نادر به هند لشکر کشید و دهلی را به تصرف خود در آورد، گروهی حدود ۴۰ هزار اسیر هندی را به خود به ایران آورد که همراه آنان عده ای از هنر مندان هندی بودند با توجه به ثروت و غنایم قابل توجهی که وی از هندوستان آورد یک تحول هنری و فرهنگی آغاز شد که گرچه ناتمام ماند اما باعث تغییراتی در عرصه معماری و نقاشی و برخی صنایع دستی خصوصاً در نواحی شرقی ایران شد، اسرای هندی در زمینه معماری آثاری را بوجود آوردند که این تحقیق در صدد شناسایی و معرفی این بناها می باشد.

سؤالات تحقیق

- ۱- تأثیر اسرای هندی بر تحولات هنری و فرهنگی عصر افشاریه چگونه بود؟
- ۲- آیا هنرمندان هندی توانستند پس از رکود هنری که پس از فروپاشی صفویان بوجود آمده بود رونقی را بوجود آورند؟

فرضیه تحقیق

- ۱- اسرای هندی در بوجود آمدن برخی تحولات هنری دوره افشاریه نقش موثری ایفا نمودند.
- ۲- حضور نادر در هند و مشاهده جلوه های هنری باعث میل نادر به استفاده از اسرای هندی برای رونق هنری در ایران گردید

پیشینه تحقیق

گرچه در خصوص مبادلات هنری و فرهنگی ایران و هند تا کنون کارهایی صورت پذیرفته از جمله کتاب آسیا نوشته حسین عسگران و کتاب روابط فرهنگی ایران و هند تالیف معاونت بین الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مقاله دوستی جاودانه روابط فرهنگی ایران و هند و جلوه های پر شکوه آن نوشته مهدی فروغی و مقاله دکتر عباس سرافرازی به نام نقش روزنامه های فارسی چاپ هند در فصلنامه مطالعات شبه قاره هند اما در ارتباط با تأثیر و نقش اسرای هندی در تحولات هنری دوره افشاری کار مستقلی صورت پذیرفته است.

هدف تحقیق

با توجه به ارتباطات فرهنگی و هنری که از قدیم الایام بین دو کشور ایران و هند وجود داشته است این تحقیق بر آن است که تأثیر اسراس هندی را در دوره افشاریه مورد بررسی قرار دهد چون حضور این گروه از افراد باعث شد برخی هنرها و صنایع در ایران رونق پیدا کند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روشی تحلیلی - توصیفی با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه ای می باشد، در این تحقیق مشاهدات و تحقیقات میدانی و محلی نیز مورد توجه بوده است.

پیامدهای حمله نادر به هند

در مورد نتایج و پیامدهای لشکرکشی نادر به هندوستان بر ایران و هند پژوهش هایی صورت پذیرفته است، اکثر منابع اشاره به جواهرات و غنایمی که نادر از هند با خود به ایران آورد، نموده اند از جمله در تاریخ نادرشاهی ثبت گردیده که نادر خزانه و جواهرات سلطنتی هندوستان را گرفت،

ممالک واقع در مغرب رودخانه گنگ و سند و نالاسنگرا (یکی از شعبات سند) یعنی پیشاور و کابل و غزنین و کوهستان افغانستان و ایالت تته را به ایران ملحق نمود.

وی علاوه بر جواهرات سلطنتی هند و تخت طاووس و نه تخت مرصع و دیگر سلاح های مرصع و مقداری مسکوک طلا و نقره و پارچه هایی قیمتی و وسایل خانه و اسلحه و توپ و هزار فیل و هفده هزار اسب و ده هزار شتر، همچنین تعداد شصت هزار جلد از کتابهای خطی گرانبها که برخی آنها را نادر خود از کتابخانه پادشاهی هند جدا کرده بود به ایران گسیل داشت و به آستان قدس رضوی و کتابخانه شاهی ایران سپرد (وارد، ۱۳۴۹: ۳۳۶).

این حمله از نظر سیاسی حکومت مغولان هند را متزلزل نمود و امکان استیلای انگلیس ها را که تلاش داشتند قسمت های بیشتری از آن سرزمین را متصرف شوند فراهم ساخت. حمله نادر به هند باعث تلفات جانی بسیاری شد و حمله نتایج مخربی را برای هند به همراه داشت.

در مورد میزان غنایمی که نادر از خزائن محمدشاه تصاحب کرد، منابع آمار و ارقام متفاوتی را ذکر کرده اند، مولف عالم آرای نادری جواهراتی را که نادر به ایران فرستاد چنین نوشته است:

« موازی بیست هزار نفر شتر در سرکار خاصه شریفه موجود بود و موازی چهار هزار نفر شتر را جواهر و مرصع آلات پادشاهی بارگیری نمودند و موازی دو هزار نفر شتر دیگر را هم تخت و نیم تخت زرین و سیمین مکمل به جواهر بود و دو هزار دیگر را اسباب اسب و یدکی و مرصع و اسباب که اصطبل را لازم است و موازی دو هزار نفر شتر دیگر را از قبیل زرینه آلات مرصع چون جام و زیر جام بلورین کنده کاری مکمل به جواهر و طرحی یشم و طلا و سرپوش هایی بلورین و غیرهم که عقل از تصور آن ها عاجز بود بارگیری نمودند و موازی شش هزار نفر شتر دیگر را اشرفی (سکه) شاه جهان آبادی بار گرفتند و موازی بیست و چهار هزار راس استر بردعی را زر سفید و نقره آلات بار بستند، تخت طاووس را هفتاد شتر می کشیدند (مروی، ۱۳۶۴: ۷۳۹/۲).

میرزا مهدی خان استرآبادی می نویسد: « جمیع مخازن سلاطین روی زمین باعشری از اعشار آن برابری نمی کرد (استرآبادی، ۱۹۲۱: ۱۷۹).

علاوه بر غنایم فوق گروه کثیری از هندی ها به عنوان اسیر همراه سپاه نادری به ایران اعزام شدند، محمد کاظم مروی از هفتاد هزار افغانی و هندی که در سپاه نادر حضور داشتند سخن به میان آورده است (مروی، ۱۳۶۲: ۹۸/۲).



الماس دریای نور در موزه جواهرات ملی ایران (ماخذ: www.asriran)

از این عده چهل هزار نفر سرباز هندی بودند که در ایالات مغرب رود سند، نادر آنان را به سپاه خود افزود، علاوه بر این نادر نهمصد و سی استادکار و هنرمند هندی را با خود به ایران آورد. از این عده، صد و سی نفر نویسنده، دویست نفر آهنگر، سیصد نفر بنا، صد نفر سنگتراش و دویست نجار بودند. وی این هنرمندان را بدان خاطر به ایران آورد که در ایران تحولی از نظر فرهنگی و هنری ایجاد نماید. چون در فتنه های پس از سقوط صفویه و تسلط افغان ها هنرمندان و صنعتگران در ایران کم شده بودند. هنرمندان هندی می توانستند صنایع هنری ایران را مجددا رونق دهند و به همین جهت نادر حکم کرد که قبل از حرکت از هند نقشه شهر شاه جهان آباد را بردارند و همراه بیاورند تا از روی آن نقشه شهر جدیدی را برای پایتخت خود در یکی از نقاط مناسب مملکت بسازد (لارودی، بی تا: ۱۶۹). در زمان اقامت در هند نادر با علاقه خاصی به گردآوری اهل حرف پرداخت و از هر جمعیتی گروهی را با خود به ایران آورد.

شعبانی از قول مورخی هندی می نویسد: «معماران، نجاران، خاتم بندان، درودگران و نقاشان و غیره که در کسب و هنر خود در شهر یکتا بودند را انتخاب نمود. اگرچه از تعداد و تخصص این هنرمندان آگاهی وجود ندارد ولی در منابع موجود عصر افشاری به آنها اشاره شده است (شعبانی، ۱۳۷۴: ۲۵۸/۱).

گویا نادر درصدد بوده است احتمالاً در خراسان برای خود پایتختی درست کند و از وجود هنرمندان هندی برای برپایی این شهر نمونه استفاده نماید. به هر صورت، به همراه آوردن این گروه هنرمندان و وجود تعداد کثیری اسرای هندی و هنرمندان آن سرزمین در ایران تأثیرات مثبت برجای نهاد گرچه نمی توان از حضور و تلاش آنان بعنوان یک انقلاب هنری و رنسانس فرهنگی و هنری نام برد، اما حضور نادر در هندوستان و دیدن آثار هنری و معماری آن سرزمین خصوصاً دهلی باعث علاقه مندی وی به تحولات علمی و فرهنگی و هنری در ایران گردید، با وجود آنکه در زمان پادشاهی نادر از جنبه هنری و فرهنگی ایران پیشرفت زیادی نکرده است و جای مکتب هنری افشاری در بین مکتب هنری صفویان و قاجاریان خالی است باید عنوان نمود که صفویان حدود ۲۵۰ سال و قاجاریه ۱۴۰ سال حکومت کردند درحالی که حکومت افشاری کوتاه و در بیست سال حاکمیت نادر شاه خلاصه می گردد. با این وجود در دوره نادرشاه نیز تحولات فرهنگی و هنری بوجود آمد که این تحول خصوصاً پس از بازگشت وی از هندوستان بود و از آنجا که اسرا و هنرمندان و صنعتگران و نجاران و بنایان و حجاران هندی در بوجود آمدن آثار و بناهای دوره نادری نقش مؤثری داشتند که در ادامه بحث به نقش این اسرا در تحولات معماری عصر نادری می پردازیم:

نقش اسرای هندی در تحولات معماری

دژ کلات از جلگه های قدیم و بلند کوهستانی است که حدود ۲۵۰۰ پا از سطح دریا ارتفاع دارد و جمعاً دارای بیست میل طول و هفت میل عرض است، از آن جهت مثل قلعه ای است که این زمین پهناور که شاید روی هم رفته صد و پنجاه میل مربع مساحت آن است و بوسیله سنگرهای مستحکم طبیعی محصور گردیده است و صخره عمودی آن از ته جلگه ۷۰۰ تا هزار پا ارتفاع دارد (کرزن، ۱۳۶۷، ۱۹۶/۱).

تا زمان نادرشاه از مزایای بی نظیر طبیعی کلات استفاده کامل نشده بود. وی زمانی که از هندوستان با غنایم سرشار کشور هند بازگشت و جواهرات گورکانیان مغول را همراه آورده بود، کلات را جایی مناسب برای انبار کردن جواهرات و همچنین پناهگاه غیر قابل نفوذ نظامی در نظر گرفت.

بنابراین، با استفاده از نیروهای ارزان اسرای هندی در صدد برآمد بر مدخل های کلات، استحکامات بزرگی بسازد و بر هر قلعه برج دیده بانی بگذارد و موضع های مناسب فراهم و تخته سنگ ها از درون و بیرون سنگرها تعبیه نماید که آن محل را بیشتر غیر قابل نفوذ کرده باشد. به همین خاطر کلات از آن پس «کلات نادری» خوانده شده است.

ارزش نظامی کلات باعث ایجاد استحکامات نظامی شد، مدت پنج سال ایرانی ها و هندیان با مزارت بسیار در هموار نمودن پستی ها و بلندی های کلات تلاش نمودند و سنگ های بسیاری برای ساختن قلعه ها حمل نمودند. در دوره نادری و پس از بازگشت وی از هندوستان، ساخت بناهایی آغاز گردید که می توانست سرآغاز بوجود آمدن سبک معماری ایرانی- هندی باشد ولی به علت قتل زودهنگام نادر تداوم نیافت. در ساختن این بناها، معماران و هنرمندان هندی نقش آفرین بودند، مهمترین بنایی که توسط اسرا و هنرمندان هندی ساخته شد، عمارت کاخ خورشید در کلات نادری است.



نمایی از کاخ خورشید در کلات نادری (ماخذ: islamicartz.com.jpg)

نادر پس از بازگشت از هند درحالیکه غنایم بی حد و حصری با خود آورده بود، دستور داد در کلات، این کاخ ساخته شود. این بنا مشتمل بر سه طبقه می باشد و طبقات آن از سنگ های بزرگ مرمر سیاه ساخته شده است.



کنده کاری بر دیوارهای کاخ خورشید کلات نادری (ماخذ: khabarno.com/jpg)

تعدادی سنگ استوانه ای تراشیده شده که از لحاظ هنر حجاری حائز اهمیت است. این بنا علی رغم اینکه برخی آن را مقبره نادر می دانند بنای آرامگاهی نیست، سبک معماری و دوازده اتاق ساخته شده و طبقاتی بودن آن و وجود یک سردابه خنک برای گذراندن تابستان در آن حاکی از آن است که کاخ خورشید، قرار بوده که اقامتگاه نادر باشد، در طبقات دوم و سوم این اقامتگاه آثار مینیاتوری و گچ بری و رنگ آمیزی زیبایی وجود دارد، این بنا که سازندگان آن هنرمندان هندی می باشند دارای حجاری های فراوان، گل ها و پرندگانی است که نمادهایی از گل ها و پرندگان و میوه های گرمسیری موجود در هندوستان است که در آن زمان در ایران کمتر وجود داشته است، نقش میوه هایی مانند: موز، آناناس، انبه، فلفل و پرندگانی مانند: طوطی و طاووس و گل های هندی حکایت از هندی بودن سازندگان قصر می نماید، این بنای هشت ضلعی، بنایی مغولی- هندی است، در برخی از اطاق ها پیکرنگاری شاهزادگان افشاری وجود دارد که حاکی از نفوذ نقاشی، نقاشان هندی است که منع پیکر نگاری در اسلام را نادیده گرفته اند.

برج ارغونشاه نیز از بناهای دیگر دوره نادری است که از کف رودخانه ۳۵ متر ارتفاع دارد و ساختمان دندانانوار مخروطی شکلی است که ارتفاع آن ۸ متر است و از آنجا بر مسیر رودخانه که یکی از راه های ورود به کلات است نظارت داشته اند. این برج از آجر ساخته شده است و این محل به نام دربند ارغونشاه نامیده می شده که برجی که در دوره نادری ساخته شده نیز به همین نام

موسوم گردیده است و مخصوص دیده بانی قلعه بیگی بوده است. سد نادری که به «سد شرق» نیز موسوم است بر روی رودخانه ای بنا شده بود و در مورد قدمت آن اختلاف نظر است. برخی آن را متعلق به دوره سلجوقی می دانند، اما به نظر می رسد بند نادری به ارتفاع ۷۰ متر، بند معتبری است که با توجه به اهمیت یافتن کلات در دوره نادر ساخته شده است، دیواره سد هلالی شکل می باشد و دارای سه دهانه برای کاهش فشار آب می باشد، قسمت اعظم سد همچنان مستحکم و هنوز هم وجود دارد گرچه برای آب گیری امروزه از آن استفاده نمی شود.



برج ارغون شاه و کتیبه نادری بر دروازه ورودی کلات نادری (ماخذ: خبرگزاری میراث فرهنگی)

بناها و طرح های آبرسانی عظیمی در اطراف کلات وجود دارد که حاکی از تلاش بسیار زیاد معماران و کارگران بسیار برای آب رسانی به قلعه کلات بوده است این طرح ها حاکی از تلاش یک نیروی عظیم و ارزان حکایت می کند، طرح آب رسانی از رودخانه قره سو که در یک منطقه کوهستانی با فاصله دوازده کیلومتر از کلات وجود دارد، برای انتقال آب سنگ های بزرگی را تراشیده اند و به شکل سنگ آسیاب در آورده و بعد داخل سنگ ها را از داخل خالی کرده اند و سپس آن را ظاهراً با ساروج به هم وصل کرده اند که کار ساده ای نیست، آن هم نه یک متر و دو متر، دست کم دوازده هزار متر رویهم رفته درازای هرسنگ بین ۳۰ تا ۶۰ سانتی متر و قطر دایره سنگ ۱۰۰ سانتی متر است که از هر طرف ۲۰ سانتی متر برای جدار لوله واگذاشته اند و بقیه یعنی نیم متر دیگر را خالی کرده اند می شود قطر آبراه، را به راحتی می توان حساب کرد که اگر میانگین ضخامت هر سنگ را که گفته اند بین ۳۰ تا ۶۰ سانتی متر است، ۵۰ سانتی متر در نظر بگیریم

بیست و چهار هزار سنگ را باید تراش داد و خالی کرد و ردیف کرد و به هم پیوند داد تا لوله آبی فراهم آید از قره سو تا قصر خورشید، اینک سنگ های مجوف و پراکنده این لوله ها در درون و بیرون کلات به دید می آیند، معطل و سرگردانند (خسروی، ۱۳۶۷: ۶۱). در روستای خشت نزدیک کلات نیز در نواحی مرتفع ۳۶۵ حوضچه ساخته شده که همه این حوض ها با خشت بوجود آمده است در این حوضچه ها آب جمع آوری و نگهداری می شده است و به خزائن نادری مشهور است هر یکی از این حوضچه ها برای خوراک یک روز اردوگاه نادری بوده است. جالب است که آجرهای به کار رفته در مسجد کبود گنبد، بند نادری برج و بارو و در بند ارغون و حوضچه ها همه در اندازه بیست و هفت در بیست و هفت است که نشان دهنده آن است که همه در کوره های واحد و در زمان نادری ساخته شده است. به هر صورت ساخته شدن این بناها عمدتاً در دوران پایان نادری صورت پذیرفته و به احتمال قریب به یقین توسط اسرای احداث گردیده که نادر همراه خود از هند و سرزمین های دیگر به اسارت آورده بود.



نمایی از بند نادری در کلات نادری که توسط اسرای هندی ساخته شده است (ماخذ: www.khfbareno.com.jpg) علاوه بر بناهای کلات، اسرا و بناها و معماری که نادر با خود به ایران آورد ساختمانها و عمارت های جدیدی را در مناطق مختلف ایران از جمله نادرآباد احداث کردند، علاوه بر آن نادرشاه مجموعه ای از بناهای باشکوه و مجلل را در شهر رادکان بنا نهاد که به گفته میرزا مهدی خان

استرآباد: در نزهت و صفا شبیه و نظیر و در رفعت و اعتلا رشک خورنق و سدیر بود (استرآبادی، ۱۹۲۱: ۱۰۹). وی چنین بنای شهر خیوق آباد در مجاورت ابيورد را گذاشت، و در قزوین نیز بناهای متعددی بوجود آورد.

نادرشاه در قزوین و پس از مراجعت از هند ساختمانی شبیه عالی قاپوی اصفهان ساخت که دارای مقرنس کاری، تصاویر بر در و دیوارهای داخلی بود، مینیاتور و شیشه های زیبای رنگی آن شبیه دوره صفوی است اما نوع آرایش آن به سبک هندی نزدیک است و نشانگر آن است که هنرمندان هندی در خلق آن نقش داشته اند. (Han way, 1753: vol,1.p 231)

نادر در اشرف (بهشهر) مازندران نیز قصری به نام چهل ستون احداث نمود که گرچه اثری از آن نمانده است اما گویا در رقابت با چهل ستون اصفهان در دوره شاه عباس ساخته شده است. (لکهارت، ۱۳۳۱: ۴۸) محله هندوها، محله قدیمی در دل شهر کهنه ارومیه است. این محله توسط اسرای هندی نادرشاه بنا گردیده که در آن هفت آسیاب وجود داشته است و محله هفت آسیاب نام دیگر آن بود که برای سپاهیان نادر ساخته شده است. این محله را به ترکی بنددی دگیرمال و هفتمین آسیاب را «دیگرمان اوسته» می نامند. نادر سپاهیان هندی را برای جنگ با عثمانیان به ارومیه آورده بود. علاوه بر آن در این محله آب انبارها و بناهایی نیز توسط اسرای هندی ساخته شد.

در مجموع می توان گفت با وجود اینکه دوره نادری عصر نظامیگری و لشکرکشی و اغتشاشات داخلی بود و نادر بطور ثابت در یک جا به حکومت نشست، اما هنر معماری مسیر خود را ادامه داد و پس از بازگشت نادر از هندوستان رشد شتابنده ای یافت. نوآوریهای جدیدی درخصوص احداث بناها و تزئینات داخلی قصرها از جمله ترسیم نقاشی های دیواری و پوشاندن بناها از سنگ های مرمر سیاه، ایجاد ساختمان های استوانه ای مرتفع چند ضلعی با ستون های توکار و رونق گرفتن هنر سنگ تراشی است. محققان و باستان شناسان مهمترین شاخصه معماری دوره افشاریه را نفوذ معماری هندی در ایران دانسته اند.

یکی از بارزترین اثر هنرمندان و نجاران و مهندسان هندی، مشارکت آنان در بوجود آوردن نیروی دریایی نادرشاه بوده است. نادر علاقه زیادی در بوجود آوردن نیروی دریایی در دریای مازندران و خلیج فارس داشت و تلاش های گسترده ای را نیز در راستای بوجود آوردن نیروی دریایی انجام داد. «وی دسته بحری شامل بیست تا سی کشتی که در اروپا، ویگو و سورات هندوستان ساخته شده بود در خلیج فارس فراهم داشت که افراد هندی و پرتغالی اداره می کردند.» (کرزن، ۱۳۶۷:

۴۷۳/۲) جان التون انگلیسی نیز در دریای خزر بوسیله استادکاران هندی و روسی توانست یک کشتی که بیست و سه پارو داشت به آب اندازد، نیروی دریایی نادر در خلیج فارس یک اسکله ساخت و برای حمل الوار از سراسر ایران تا آنجا تلفات زیاد انسانی وارد شد (سایکس، ۱۳۷۰: ۳۹۴/۲). از اقدامات و تلاشهای دریایی دیگر نادر با کمک اسرای هندی زمانی بود که نادر پس از بازگشت از هند قصد داشت از رود جیحون بگذرد و ابوالفیض خان و ایلبارش (البرز) خان حکمران ماوراء النهر و خوارزم را مطیع گرداند به این خاطر به دستور نادر و نجارانی که از هند آمده بودند ۱۱۰۰ زورق به ظرفیت ۳۳۰ تن آماده ساخته، توپخانه و آذوقه اردوی نادری بار آنها شد و از جیحون گذشت و در چهار چوبی نیز پلی از زورق بسته و وارد ماوراء النهر شدند (شعبانی، ۱۳۷۳: ۸۷/۲).

هنر نقاشی

در روایات اسلامی تنها مصور خدا دانسته شده است و از سویی تصویر صورتهای جاندار تحریم شده است بخصوص تصویر انسان، از این رو به نظر برخی از نویسندگان تاریخ هنر اسلامی هنرمندان چاره ای نداشتند که به جز این که صورتهای را بشکنند که با صورت های موجودات جاندار مطابقت نداشته باشد (مددپور، ۱۳۷۴: ۲۱۰). در دوره صفویه نیز با اینکه سبک های مختلف نقاشی پدید آمد اما بیشتر نقاشی ها مینیاتور و نقاشی هایی با موضوعات آسمان آبی، آب نقره فام، سروهای سبز، اسب های ابلق و گروههای مردم بود. (سیوری، ۱۳۶۶: ۱۱۴) بنابراین تا پایان دوره صفویه هیچگونه تصویری از شاهان و درباریان نقاشی نشده است.

به نظر می رسد اولین پیکره نگاری ها از یک پادشاه، نقاشی هایی است که از نادرشاه باقی مانده است. از آنجاییکه نادر اعتقادات مذهبی راسخی نداشت و سازمان و نهاد روحانیت و علما پس از سقوط صفویان دچار ضعف شده بود و تسلطی بر حاکمیت نداشت و از طرفی نادر رابطه چندان مناسبی با علمای دینی نداشت، اولین پیکره نگاری ها شکل گرفت. بنا به گفته لکههارت: نادرشاه در هنگام توقف در دهلی عده ای از نقاشان هندی را مامور کرد که صورت او را نقاشی کنند، یکی از این نقاشان غلام محیی خان بود که در سال ۱۱۵۳ هجری / ۱۷۴۰ میلادی یعنی همان سالهایی که نادر در هندوستان بود نقاشی از شمایل نادر را به ریچارد بنیون (Richard Benyon) حاکم وقت مدرس هدیه کرده است (Lockhart, 1938: 277). مسلم است هنر نقاشی از دوره نادری با تاثیرپذیری از نقاشی هندی دچار یک تحول بزرگ شد و حرمت، عدم تصویرگری بزرگان و پادشاهان برداشته شد و چون «هنر جنبه عام نداشت هنوز در امیال خدایگان سیر می نمود و آنچه

را که سلطان بپسندد قابل قبول بوده است» (شعبانی، ۱۳۷۳: ۲۵۷/۱). بنابراین نقاشی عهد افشاریه بیشتر منحصر به نادرشاه و تمایلات قدرت طلبانه وی بود و تصاویری که از وی باقی مانده اند نفوذ نقاشی هندی را در مرحله اول و در مرحله دوم نفوذ نقاشی اروپایی نشان می دهد چون علاوه بر نقاشان ایرانی، چهره نگاران هندی و اروپایی از جمله نقاشی به نام کامل آلمانی در نقاشی این دوره موثر واقع شدند. در موزه های انگلستان نقاشی هایی از نادر وجود دارد که توسط نقاشان هندی ترسیم شده است. مینیاتورهای خیالی و افسونگر صفوی از بین می رود. لکه هارت اشاره می کند دو تصویر دیگر از نادر در لندن موجود است یکی در اداره هند قرار دارد و دیگری در موزه هند که ممکن است متعلق به هنرمندان قرن هجدهم میلادی باشد (Ibid: 277). به این خاطر پس از دوره نادری نقاشی از بزرگان و پادشاهان مبتنی بر صورتگری هندی متداول شد. از هنرهای دیگری که در دوره نادری و پس از بازگشت از هند و بوسیله هنرمندان هندی رواج بیشتری در ایران یافت، جواهرسازی است که به هر صورت بخاطر ورود طلاهای هندی گسترش بیشتری یافت. وجود جواهرات بسیار و اصیل که جزء غنایم نادر از هندوستان بود تا حدی موجب رونق هنر ظریف جواهرسازی شد و هنرمندان این دوره اوج استعداد خود را در ساختن شاهکارهایی همچون تخت تمام طلا و جواهر، نشان دادند. این تخت موسوم به «تخت نادری» از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و به تقلید از تخت طاووسی که نادر از هند آورده بود ساخته شد. وجود جواهر بسیار و گوهرهای اصیل آبدار، نادر را واداشت که هنر ظریف جواهرسازی را رواج دهد و حداقل تختی همپایه تخت شکوهمند طاووس درست کند. چون تخت طاووس انتقالی از هند نمی توانست نماینده اقتدار و عظمت وی باشد (شعبانی، ۱۳۱۳: ۲۶۳). وی «اورنگ نه پایه فلک را پست ترین پایه درجات شأن خود می داند» (میرزا مهدی خان، ۱۹۲۱: ۲۳۹). تخت نادری را استادکاران ماهر هندی و ایرانی ساختند در مدت یکساله که از دهلی تا هرات نادر در راه بود، این تخت ساخته شد و طبیعی است مخارج تهیه و تدارک این تخت باشکوه و جواهرات آن برعهده دولت هند بود جالب است که پس از بازگشت نادر از هند برخی از واژه هایی که هندی است و در مورد زیور آلات کاربرد دارد در نواحی شرقی ایران و خراسان رواج یافت. از جمله واژه «چوری» به معنای النگو که در سیستان و بلوچستان نیز این واژه به کار می رود.

ساختن خیمه و خرگاههای جدید و تحولی که در آن بوجود آمد نیز قابل ملاحظه است در هندوستان رسم است که برای برگزاری جشن ها و مراسم، چادر های بزرگی را بر پا می سازند که



نمایی از تخت نادری به تقلید از تخت طاووس که از هند آورده شد (ماخذ: www.asriran)

بسیار زیباست که حتی امروزه نیز برای برپایی مراسم و نیز سینماها و حتی همایش های علمی و دانشگاهی نیز خیمه می افزایند، هندیان در ساختن و بوجود آوردن چادرهای بزرگ و زیبا مهارت خاصی دارند. نادر زمانی که با ثروت سرشار و بی نظیر از هند بازگشته بود، دستور می دهد مجلس جشن باشکوهی در هرات برپا شود. « وی در طی بازگشت از هند دستور ساخته شدن چادرها و خیمه ها را داده بود و استادکاران با ذوق و هنرمند هندی و ایرانی همراه اردو به این امر پرداختند. بنابراین هنرمندان هندی خیمه ای را ساختند که رویه آن از اطلس بنفش و بیرون آن ماهوت سرخ و گل و بوته ها و صور وحوش و طیور و مروارید و یاقوت های زرد، سرخ و لعل و زمرد و لیلیم و الماس و عین الهور و فیروزه و زبرجد و غیره و ستون های خیمه مرصع و میخ ها از طلای خالص و این خیمه با هنرمندی هنرمندان ایرانی و هندی به نحوی درست شد که الحق ساحر سامری در پیش آن طاووس مست بهشتی از گوساله کمتر بود و کلام را یارای آن نه که یکی از هزار وصف آن تواند به قید عبارت آرد» (مروی، ۱۹۶۰: ۵۱۷/۲).

محمدکاظم مروی این چادر را از عجایب تلقی می کند و تاکید می ورزد که با استعداد و کفایت و کردانی هنرمندان ایرانی و هندی بوجود آمده و حاصل تلاش آنان است. یکی از مسائلی که تحت تاثیر هنرمندان و اسرای هندی از این زمان در اردوی نادری و به تبع آن در جامعه ایران رواج یافت، هنرنمایی هایی از قبیل رقص و آواز و خنباگری بود که البته از قبل اهل طرب در دستگاه نادر وجود داشتند، اما پس از فتح هند ارباب طرب هندی در سلک مطربان نادرشاه در آمدند و طبیعتاً نوع رقص و آواز خاص خود را داشتند، وظیفه این هنرمندان بود که شیوه کار خود را بصورت حرفه ای به مجلس آرایان ایرانی بیاموزند و ایرانیان به تقلید از رقاصان و سرگرم کنندگان هندوستانی پرداختند. بطوریکه میرزا مهدی خان استرآبادی می نویسد: «سه سال پس از بازگشت نادر از هند چون جمعی از ایرانیان قانون ساززنی و فنون نوازندگی به طریق هندیان را آموخته و در رقص و رامشگری ماهر شده بودند، لهذا این گروه هندیان را مرخص ساخته به هندوستان فرستادند» (استرآبادی، ۱۳۶۷: ۲۹۷).

نتیجه

ایران و هند از قدیم الایام روابط و مشترکات زیادی با یکدیگر داشته اند و ارتباط فرهنگی و تمدنی بین دو کشور همیشه وجود داشته و هند پایگاهی برای مهاجرت و پناهندگی ایرانیان محسوب می شده است. به این جهت تاثیرگذاری ایرانیان بر فرهنگ، زبان و ادب هندوستان بسیار زیاد بوده است. هندوستان از نظر اقتصادی و مالی نیز سرزمین ثروتمندی بوده و عموماً جهان گشایان بمنظور پشتیبانی به ثروت هند و رفع مشکلات مالی به این سرزمین هجوم برده اند و با خود ثروت و اسرایی را به ایران آورده اند.

افرادی مانند: محمود غزنوی، تیمور گورکانی، خاندان چنگیزی و همچنین نادرشاه افشار - در آستانه قرون جدید- به هند حمله کرده اند، نادرشاه با خود ثروت سرشاری از هند آورد که گرچه عمر وی کفاف نکرد که از آن بخوبی استفاده کند، اما قسمت عمده ای از این غنایم در ایران باقی ماند که در وضعیت اقتصادی ایران بی تاثیر نبود، یکی از مهمترین پیامدهای حمله نادرشاه به هند به همراه آوردن گروه کثیری از اسرای هندی بود که به عنوان سرباز به همراه نادر آمدند و در فعالیت های مختلف به کار گرفته شدند. نادر در هند گروهی از صاحبان هنر را نیز دستچین نمود و بمنظور ایجاد یک تحول فرهنگی و هنری از آنها بهره گرفت.

این هنرمندان در پایان دوران حکومت نادر باعث دگرگونی هایی شدند و در زمینه معماری، شهرسازی، طرح ها و پروژه های آب رسانی، ایجاد ناوگان دریایی بنادر و کشتی سازی، صنایع

ظریفه و دستی مانند جواهر سازی و ساخت زیورآلات و نقاشی و پزشکی و غیره در ایران تاثیرگذار بودند، یکی از مهمترین تحولاتی که در زمینه نقاشی در ایران بوجود آمد پیکرنگاری از افراد زنده بود که تاکنون بخاطر ملاحظات مذهبی در نقاشی رونقی نیافته بود و از این زمان تحت تاثیر نقاشان هندی اولین تصویر از نادر نقاشی شد که در دوران زندیه و قاجاریه ادامه یافت.

منابع

- ۱- آرنو، م. ر.، اشرفیان، گ. ز.، دولت نادرشاه افشار، ترجمه: حمید امین، چاپ دوم، تهران، انتشارات شبگیر، ۱۳۵۶
 - ۲- استرآبادی، میرزا مهدی خان، جهانگشای نادری، به اهتمام ملک دین محمد، چاپ طبعه دین محمد، لاهور، پاکستان، ۱۳۶۷
 - ۳- خسروی، محمدرضا، کلات نادری، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷
 - ۴- سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی، چاپ پنجم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰
 - ۵- سلیمی، مینو، روابط فرهنگی ایران و هند، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲
 - ۶- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی، چاپ دوم، تهران، سحر، ۱۳۷۲
 - ۷- شعبانی، رضا، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، چاپ دوم، جلد اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۶۶
 - ۸- کرزن، ج. ن.، ایران و قضیه ایران، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، جلد اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۶
 - ۹- لارودی، حبیب ...، زندگانی نادرشاه، تهران، بی تا
 - ۱۰- لکههاریت. لارنس، نادرشاه، ترجمه مشفق همدانی، تهران، انتشارات جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۱
 - ۱۱- مددپور، محمد، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴
 - ۱۲- مروی، محمداکظم وزیر مرو، عالم آراری نادری، به تصحیح محمد امین ریاحی، چاپ اول، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۹
 - ۱۳- مینورسکی، و. الف، تاریخچه نادرشاه، ترجمه: رشید یاسمی، تهران، کتابهای سیمرغ، ۱۳۵۶
 - ۱۴- وارد. محمد شفیع، تاریخ نادرشاهی، به اهتمام رضا شعبانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹
- 15- Hanway Jonas ,**Ahistorical account of British Trade over the Caspian sea**, London, vol 1,1753.
- 16- Lochart.I, **NADER SHAH A Critical Study Based Mainly upon Contemporary Sources**, London,1938.

